

لری چند زبان است ؟

نویسنده : Erik John Anonby

ترجمه : ابراهیم خدایی

پیشگفتار

لری یکی از زبانهای شاخه هندواروپایی است که چهار میلیون [1] گویشور دارد. گستره نژادی لران در مناطق جنوب غربی ایران و جنوب شرقی عراق می باشد، هرچند شمار اندکی از گویشوران لری به جاهای دیگری در آسیا و نیز به برخی از شهرهای غربی (آمریکا و اروپا) مهاجرت نموده اند.

من جستار زبان شناختی را با چکیده ای از خاستگاه تاریخی لران آغازیده ام، چراکه روشن شده است این کار نقش کلیدی در فهم مرزهای زبانی دارد، به ویژه در دو سوی پیوستار که با انواعی از زبانهای کردی و فارسی شانه به شانه است.

پس از آماده کردن این برداشت تاریخی، یک گزارش از پژوهشهایی که بیشتر درباره لری انجام شده ارائه خواهم داد، به ویژه آنچه مربوط است به دوره انقلاب اسلامی ایران. نخستین مساله این بررسی پاسخ به این پرسش است که پیوستار زبان لری شامل چند زبان است؟

به طور سنتی لری تحت عنوان یک زبان واحد طبقه بندی شده است، گرچه از جهتی هم نظرات مختلف است و برخی پژوهشگران با نگرشی محافظه کارانه در قیاس با اکثریت فارس زبان ایران بیان داشته اند که لری فقط یک «لهجه» از فارسی است، از جهتی دیگر نیز شمار فزاینده ای از پژوهشگران می گویند لری را بیش از یک زبان معرفی کنند، (در این نوشته) لکی نیز به عنوان زبانی که لرها در بخشی از سرزمین خویش بدان صحبت می کنند مقداری مورد توجه قرار داده شده است.

بخش اعظم منابع فارسی

(در زمینه لرنشناسی)

برای پژوهشگران غربی

ناشناخته است و به عکس

پژوهشگران ایرانی هم از

تحقیقات منتشر شده در غرب

ناآگاه هستند.

پس از بازبینی این نظرات مختلف من پرسش محوری مقاله را با به کارگیری اطلاعات زبان شناختی و زبان شناسی اجتماعی دنبال می کنم، مشاهده گویشوران، بررسی های زبان شناسی زبان شناسان اجتماعی و فهرست وازگانی از مناطق مختلف لرنشین به کار گرفته شده است.

با تقسیم بندی لری به سه منطقه زبانی (لرستانی، بختیاری و جنوبی) مطرح گردیده یک نقشه از گروههای زبانی نتیجه مقاله را شرح داده است.

زمینه تحقیق

این مقاله یک ترکیب و برداشت است از متون مربوط به موضوع و همچنین تحقیق اصلی زبان شناسی، این بخش پراکندگی ها و دشواری های تحقیق تطبیقی که درباره لری در دسترس است را خلاصه می کند و برخی شکافها، تناقضها و ستیزه هایی که در این متون وجود دارد را نشان می دهد، بسیاری از این چالشها به خاطر عدم دسترس و بی سر و سامانی مناطق لرنشین و فقدان شواهد در تحقیقات قبلی است.



Fig. 1. Luri ethnic area in Iran and Iraq.*

به همین ترتیب من هنوز نومیتم که بگویم لری نتوانسته آن گونه که سزاوار است توجهات را جلب کند، به خاطر زبانش که بیش از چهار میلیون نفر بدان تکلم می کنند با یک فرهنگ غنی و همچنین ویژگی های زبان شناسی و اجتماعی پیچیده، شاید این ابهام ناعادلانه به خاطر پژوهش بر همسایگانش فارسی و کردی باشد، چرا که سخنگویان این زبانها به صورت گسترده ای در دانشگاهها هستند، همچنین است در غرب، تحقیقات دانشگاهی درباره لری یک مانع مضاعف دارد، بخش اعظم منابع در دسترس فارسی برای

پژوهشگران غربی ناشناس است و به عکس پژوهشگران ایرانی که در مورد لری کار می کنند هم از تحقیقات منتشر شده در غرب ناآگاه هستند.

منابع فارسی درباره زبان لری چشم پوشیدنی نیستند و من کوشیده ام که از همه آنچه در دسترس است بهره ببرم، گرچه پر شمار نیستند، و با وجود اینکه دانسته های ما پس از بازمینی متون نارسا باقی می ماند، این بازمینی را برای بررسی مستقیم زبان شناختی لازم دیدم. این بدین خاطر است که داده های زبان شناسی اجتماعی و تحلیل فرهنگ لغتی را به کار گرفته ام تا به پرسش محوری این مقاله بپردازم: حقیقتاً گروه لری شامل چند زبان است؟

داده های اصلی این مقاله اغلب در طول یک دوره نه ماهه در سال 2000 تا 2001 در ایران به دست آمده است، محدودیتی که وجود داشت آن بود که من فقط می توانستم در بخشی از مناطق لرنشین به گردآوری اطلاعات بپردازم و آنهم منطقه ممسنی (لری جنوبی) بوده است، گرچه می توانستم اطلاعات دست اولی هم از گویشوران بخشهای دیگر لرنشین که در شیراز -جائی که من و همسرم سکونت داشتیم- ملاقات می کردم به دست آوردم، سرانجام پرسشهای باقیمانده از طریق انجمن لری شمال آمریکا مرتفع شدند.

در عراق وضعیت برای لرها کمتر خوشایند است از 1975 عوامل سیاسی موجب مهاجرت دسته جمعی لران عراق به ایران شده است چرا که بیشترین اشتراک مذهبی و قومی را با ایران دارند.

لرها شماری از خانواده اقوام ایرانی (هندو اروپایی) هستند که به ایلهای لر گروه قومی لرها منسوب میباشند، به عبارت دقیقتر این خانواده یک گروه جدا اما مرتبط از چند زیر گروه پیوسته از ایلات یا قبایل و طوایف و.. است، شناخته شده ترین این گروهها عبارتند از فیلی (feyli) یا لروچک، بختیاری، بویراحمد، کهگیلویه و ممسنی (چهار گروه اخیر لر بزرگ را تشکیل میدهند) فیلی بیشتر به پیشکوه و پشت کوه تقسیم میشود، چند گروه کوچکتر دیگر هم هستند، چهارمیلیون نفر عضو «ایل لر» به حساب می آیند که زبان لری را متفاوت از یکدیگر صحبت می کنند.

غیر از جمعیت اندک (نزدیک به 80000) در جنوب غربی عراق، لرها در چندین استان ایران پراکنده اند، زاد بوم لران در بخشی از کوهستان زاگرس گسترده است به علاوه چند منطقه دیگر در جنوب شرق که تا قلب بین النهرین کشیده می شود. در ایران بیشترین تمرکز لرها در استان لرستان، خوزستان، چهارمحال و بختیاری، بویراحمد و کهگیلویه میباشد، جمعیت قابل توجهی از لرها همچنین در استانهای مجاور یعنی ایلام، اصفهان و فارس زندگی می کنند، به علاوه جمعیتهای تبعیدی به استانهای دیگر ایران هم وجود دارد، گرچه آرایش استانی که از زاد بوم لران درست شده اند حساسیت برانگیز است برخی از مرزهای استانی با تقسیمات قومی منطبق است، تقریباً این گونه به نظر می رسد که طوری طراحی شده است که خانواده قومی لر متمرکز نباشد یک نمونه تقسیم جغرافیایی یک بختیاری قدرتمند میان چهار استان مختلف است که در سه تا از این چهار استان ادارات دولتی به طور مستقیم از مراکز شهری و به وسیله فرهنگ اکثریت فارسی کنترل میشوند.

در عراق وضعیت جمعیت شناختی برای لرها کمتر خوشایند است از 1975 عوامل سیاسی موجب مهاجرت دسته جمعی لران عراق به ایران شده است چرا که این گروه بیشترین اشتراک مذهبی و قومی را با ایران دارند.

خاستگاه لرها

یک مرد فیلی از خرم آباد یک داستان معروف بازگو می کند که سالها پیش سه برادر بودند که کردان، لران و بختیاران از نسل ایشانند، این نظر به همین سادگی مقدمه مناسبی است برای بیان جزئیات بیشتری که در این باره در کتابها یافت میشود، پژوهشگران معتقدند که ظاهراً لرها گروهی از طوایف اریایی هستند که از آسیای مرکزی با گذار از شمال دریای خزر از طریق قفقاز آمده اند به آنجا که امروزه ایران می نامیم، گروههای هندو ایرانی دیگر همچون فارسها و کردها نیز حاصل چنین مهاجرتی هستند، لرها نیز همچون دیگر ایرانیان با گروههای دیگر جزئی از یک جامعه بزرگتر هستند، چه ساکنین اولیه ایران مانند ایلامیها و چه مهاجمان هندو اروپایی اخیر.

از میان تمام اقوام آریایی لرها از نظر سازمان زبانی رابطه تنگاتنگی با کرد زبانان و فارس زبانان دارند در حالیکه برخی پژوهشگران بیان داشته اند که لرها از کردها منشعب میشوند دیگر پژوهشگران معتقدند که لرها از قدیم الایام گروهی مستقل بوده اند گرچه از دو همسایه فرهنگی خوش تاثیر پذیرفته اند، نفوذ زبانی این دو گروه در مجموعه داده هایی که در ادامه این مقاله ارائه خواهد شد آشکار است.

نسب شناسی ژنتیکی زبان لری

گرچه لرها از نظر زبانی آشکارا با فارسی مرتبط هستند کارشناسان در این باره اختلاف نظر دارند که لری و فارسی از فارسی باستان منشعب شده اند یا از فارسی میانه -لری همچنین با کردی مرتبط می باشد این ارتباط در گویشهای شمالی لری بیشتر نمودار است- در بخش بعدی من می کوشم که اثبات کنم گویشهای لری یک پیوستار زبانی هستند مابین دو قطب فارسی و کردی.

Farsi-Shirazi Formal															
77	Farsi-Bushehri														
70	75	Luri-Mamasani 1													
76	79	89	Luri-Mamasani 2												
79	82	86	89	Luri-Boyerahmadi											
63	71	78	83	90	Luri-Kohgiluyeh*										
76	74	75	81	86	84	Luri-Bakhtiari-Haftlang 1									
72	74	75	79	79	75	84	Luri-Bakhtiari-Haftlang 2								
79	76	75	78	82	78	87	82	Luri-Bakhtiari-Chaharlang							
80	74	73	75	73	71	72	73	74	Luri-Luristani rural						
73	66	66	69	74	68	73	70	76	78	Luri-Luristani "mixed"					
82	74	70	64	71	61	67	66	71	77	71	Luri-Luristani-Borujerdi 1*				
85	85	69	77	81	nda	81	85	81	60	65	67	Luri-Luristani-Borujerdi 2*			
85	79	70	75	81	71	78	75	78	79	79	78	77	Luri-Luristani-Khorramabadi		
70	65	61	65	70	67	66	67	66	69	73	67	77	78	Laki mixed	
70	64	61	65	69	63	65	67	66	69	73	66	65	78	92	Laki-Aleshtar

Fig. 2. Percentages of lexical similarity between varieties of Luri.^{44 45}

مطابق شماری از منابع لری یک زبان واحد است که به عنوان هندو-اروپایی، هندو-ایرانی، ایرانی، غربی، جنوب غربی، لری شناخته لری یک زیر گروه دیگر به نام کومزاری دارد که توسط سه هزار نفر در عمان تکلم میشود هرچند [2] شده است. طبق گفته گریمر شواهدی که این نظریه را حمایت کند وجود ندارد، دیگر زیر گروههای زبانهای ایرانی جنوب غربی عبارتند از: فارسی، لاری، ایماق، گریمر بخاری، دروازی، دهوری، فارسی شرقی، فارسی غربی، هزاره ای، پهلوانی، تاجیکی و تات و شاید بشاکردی در طبقه بندی آنرا دوشادوش کردی به عنوان زبانی ایرانی شمال غربی طبقه بندی [3] وینفور لکی به عنوان گونه ای لری ذکر شده است، اما کرده است. خلاصه اطلاعات این تحقیقات قبلی طبقه بندی های که درباره لری انجام شده ارائه می دهد اما بازبینی آن چند مساله پیچیده را نشان میدهد که باید پیگیری شود رابطه کومزاری و لکی با لری، وجود لرهایی که فارسی را به عنوان زبان مادری صحبت میکنند و لری واحد.

قرار گرفتن گونه های کومزاری و لکی زیر چتر شاخه زبان لری یک مساله دشوار است و من مدارکی فراهم کرده ام که نافی این دیدگاه است در نتیجه این مقاله من مدعی هستم که اگرچه کومزاری هم جزو زبانهای ایرانی جنوب غربی است دلیلی برای آنکه آنرا با لری در یک گروه خاص طبقه بندی کنیم وجود ندارد، در مورد لکی من نظر فتاح را می پذیرم که برای لکی بیشتر نسب کردی قایل است تا لری، گرچه این نظر بیشتر مبنای تیپولوژی دارد تا تاریخی.

وجود گروههای قومی لر که فارسی را به عنوان زبان مادری صحبت می کنند یک مساله است که عنوان شده است اما بدون مدارک کامل.

چند زبان پیوستار لری را تشکیل می دهد؟

پژوهشهایی که بر روی زبان لری انجام شده است بیشتر توصیفی است تا تطبیقی. به همین خاطر ارتباط انواع مختلف لری بسیار نامشخص است. تعداد اندکی از نویسندگان به حوزه زبان لری پرداخته اند. من چند منبع را که تاثیر بیشتری داشته اند برگزیده ام.

لری به عنوان یک لهجه فارسی

پژوهشگران غربی و برخی دانشگاهیان جدید ایرانی در قرنهای اخیر سخن از گونه های «زبان» لری برده اند، اما هنوز یک نگرش گسترده در میان ایرانیان فارس زبان هست که لری فقط یک لهجه و گویش از فارسی است. گرچه تحقیقات زبان شناسان و زبانشناسان اجتماعی اثبات کرده است که لری به راستی یک زبان به شمار می رود. به عبارت دیگر، لری نشان از جزئیات فراوانی از تفاوتها با فارسی دارد چه در زمینه های فونولوژی، مورفولوژی، گرامر و جمله بندی و چه در زمینه واژگان. گویشوران از این تفاوتها آگاهند. گویشوران این دو گونه زبانی ذاتا زبان همدیگر را نمی فهمند، یک واقعیت که البته به خاطر درجه بالای دو زبانی مردم لر مورد تشکیک واقع میشود. به خاطر این عوامل، متون دانشگاهی کمی وجود دارد که این نظر که لری یک زبان باشد را مورد حمایت قرار می دهد.

لری یک زبان منفرد است

دیدگاه غالب را چنین ارائه می دهد که لری یک زبان منفرد است، و همه انواع لری لهجه های آن زبان هستند. این *The Ethnologue* دیدگاه به وسیله اسناد حمایت نشده است اما یک نظریه است و اخیرا توسط چند پژوهشگر به چالش کشیده شده است. همانطور هر دو تشخیص داده اند چندین زبان متمایز در شاخه لری وجود دارند. *Peoples Of Iran* که شرح داده خواهد شد و *امان اللهی* و

لری و بختیاری: Peoples of Iran

پژوهشگران اولیه قرن بیستم یاد آوری می کنند که لری و بختیاری کاملا از یکدیگر متفاوتند. این تشخیص به طور مختصر در یک نقشه شرح داده شده است. در آن نقشه زبان لری در دو قسمت دیده میشود، *Peoples of Iran (Ethnolinguistic Groups)* بسیار جزئی از بین آن دو منطقه بختیاری وجود دارد.

این نقشه به درستی منطقه بختیاری را ترسیم کرده است، اما روی یک نکته تاکید دارد: بختیاریها خود را جدا تصور می کنند: آنها اول بختیاری هستند (یک زیر گروه از مجموعه مردم لر) و سپس لریزبان. همچنین بختیاری تنها گونه لری است که گویشوران آن گاهی تصور میکنند یک «زون» یا زبان جداسست (ظهور مددی 1996). به هر حال گویشوران زبان بختیاری هنوز زبان خود را به عنوان یک گونه است). داده های زبانشناسی که در بخش بعدی ارائه شده مشخص [4] لری می شناسند (همان طور که ایتالیایی یک نوع از رومی می کند که بختیاری در حقیقت یک زبان مشخص است که به هر حال بین دو منطقه لری شمالی (لرستانی) و جنوبی (بوبراحمدی، نمایانده شده است. به سخن دیگر دو منطقه زبانی لری هر کدام با بختیاری *Peoples of Iran* کهگیلویه ای، ممسنی و...) در نقشه بیشتر نزدیکند تا با یکدیگر، در نتیجه، تقسیم شاخه زبانی به دو بخش مرتبط و متعادل لری و یک منطقه بختیاری جدا نکته نادرستی است که در این نقشه ارائه شده است.

امان اللهی: لری باختری و لری خاوری

امان اللهی از تشخیص دو زبان لری جدا سخن می گوید. گرچه تقسیم وی با آنچه در نقشه مذکور آمده *Peoples of Iran* همچون است، اما گرچه در (oranski) است متفاوت می باشد. او در طبقه بندی لری به عنوان یک زبان ایرانی جنوب غربی تابع ارانسکی مورد تقسیم بندی نوآورانه اش از زیرگروههای لری خودش مسوول است: لری باختری - که نباید این لفظ را با بختیاری اشتباه گرفت- و لری خاوری، از آنجا که او خودش یک لر است این تقسیم بندی قابل توجه می باشد. لری باختری گویشهای خرم آبادی، بروجردی، با منطقه لری در شمال منطقه *Peoples of Iran* نپهاوندی و دیگران را شامل می شود. لری باختری یا غربی امان اللهی در نقشه بختیاری مطابقت می کند، لری خاوری یا شرقی شامل منطقه بختیاری و همچنین گویشهای متفاوتی که در دزفول و شوشتر صحبت می شوند می گردد. گرچه او خود اشاره ای مستقیم نکرده است اما به نظر *امان اللهی* انواع گویشهای لر بزرگ در بوبر احمدی، کهگیلویه و ممسنی به لری خاوری متعلق هستند.

سه زبان لری؟

داده هایی که در ادامه ارائه می شوند از تقسیم بندی *aman* الهی به لری شرقی و غربی (باختری و خاوری) حمایت می کنند. گرچه این اطلاعات پیشنهاد می کنند که لری شرقی نیز خودش به دو زبان جدا تقسیم می شود: بختیاری و لری جنوبی. لری جنوبی همان در جنوب منطقه بختیاری است. *peoples of iran* منطقه لری است که در نقشه

در طول زندگی در منطقه ممسنی استان فارس، من متوجه شدم که ممسنی ها برای ارتباط با لرهای مناطق دیگر از فارسی استفاده کنند نه لری، مثلا با لرهای بختیاری یا لرهای غربی. به همین خاطر من تصمیم گرفتم تا تحقیق کنم، و ارقام و اسناد متعددی فراهم کنم.

متون موجود به فارسی نشان می دهد که لری جنوبی از دیگر انواع لری متمایز است. لری جنوبی اساسا از سه گروه تشکیل میشود: بویراحمدی، کهگیلویه و ممسنی

بازبینی مرزهای زبانی

طبق آزمون فرضیه های زبانی مطرح شده در بخش پیشین، من چند ابزار را به کار گرفته ام؛ مشاهده تفاهم متقابل بین گونه های مختلف، نظر گویشوران درباره امکان تفاهم متقابل با گونه های مختلف و «تحلیل واژه نامه ای».

به عنوان تعریفی از آنچه یک زبان را می سازد، من تفاهم دو طرفه را به عنوان یک کلید می پسندم. در مواردی که پیوستگی فرهنگی خیلی بالاست اما مفاهم بین گونه ها پایین است همین کافیسیت تا ارتباط دشوار شود (به عنوان مثال گونه های زبان چینی). من بسیار سختگیر بوده ام که تفاوت های زبان شناختی را بسازم. این به خاطر این خط فکری است که من نتایج جمع آوری شده ام را تفسیر کرده ام.

هیچ کدام از ابزارهای شرح داده شده به خودی خود یک معیار قطعی برای تعریف مرزهای زبانی نیست؛ هرچند با آمیختن آنها و با توجه به تحقیقات قبلی یک نشانه سراسر است مطلوب که وضعیت زبانی را می رساند فراهم می آید.

تفاهم متقابل مشهود (قابل مشاهده)

مشاهده تفاهم متقابل ممکن است یک معیار دقیق و مطلوب باشد؛ تقریبا نمونه های کمی وجود داشت که در آن گویشورانی از مناطق لرنشین مختلف با همدیگر در وضعیت طبیعی روبرو می شدند و من می توانستم آنها را مشاهده و مطالعه کنم. در چنین وضعیتهایی که من مشاهده کردم، گویشوران لری جنوبی و بختیاری برای ارتباط با یکدیگر از فارسی بهره می بردند و از به کار بردن گونه زبانی خودشان عاجز بودند؛ به همین ترتیب گویشوران لرستانی و لری جنوبی هم برای ارتباط با یکدیگر از فارسی بهره می بردند. ارتباط گویشوران لرستانی و بختیاری را مشاهده نکردم. در میان مناطق زبانی که منظور من است، گویشوران یک لهجه مرتبط برای ارتباط از فارسی یا زبان دیگری بهره نمی برند.

تفاهم متقابل محسوس (احساس و نظر گویشوران)

دقت و صحت درک و نظر یک گویشور درباره تفاهم متقابل میان گونه های زبانی ممکن است زیر سوال برود، اما یک مطالعه فراگیر و مقطعی در مناطق مختلف زبانی می تواند در کنار اسناد دیگر یک سند باشد.

در بسیاری از مصاحبه ها، من بیش از 200 مدخل (لغت) درباره تفاهم متقابل محسوس با دیگر انواع پرسیدم. گویشوران منطقه زبانی لرستانی استدلال می کردند که انواع لرستانی قابل درک است. فقط مقداری از مدخلها (لغتها) موجود در منطقه زبانی لرستانی در منطقه جنوبی شنیده می شود. همه این موارد می گفتند که آنها نمی توانند زبانی که آنجا صحبت می شود را بفهمند.

بسیاری از گویشوران بختیاری گفتند که انواع گفته های بختیاری در چلگرد و کهرنگ به سختی قابل فهم است وگرنه تمام انواع بختیاری به آسانی قابل فهم است. آنها که با گویشورانی از لرستانی و لری جنوبی برخورد داشتند، می گفتند این انواع به سختی قابل فهم هستند.

تعداد خیلی کمی از گویشوران لری جنوبی، در فهم سخن گویشوران کهگیلویه مشکل داشتند به این خاطر که گویشوران کهگیلویه در هستند. میان گونه های دیگر لری دو گویشی

تحلیل واژه شماری

تحلیل واژه شماری (مقایسه فهرست واژگان) تنها معیار عینی است که در مطالعه برای سنجش خویشاوندی انواع زبانی به کار می آید. گرچه چند ضعف دارد، یکی اینکه این روش فقط یک بخش کوچک از زبان (واژگان) را می آزمایشد و بنابراین ممکن است مستقیما به تفاهم دوطرفه مربوط نباشد. دیگر اینکه یک نقطه دقیقی وجود ندارد که یک گویش بتواند به عنوان یک زبان تعریف گردد، یا برعکس. به طور تقریبی، انواعی که بین 70-90 درصد تشابه واژگانی دارند ممکن است به یک زبان واحد تعلق داشته باشند یا نه. زبانهای با بیش از 90 درصد تشابه واژگانی معمولا گویشهای یک زبان هستند.

برای این مطالعه من دوازده واژه نامه از 225 سرمشق (در صورت دسترسی) از بزرگترین گویشهای سه منطقه فرضی لری گرد آورده ام. به عنوان کنترل و کمک به مشخص کردن مرزهای شاخه لری من چهار واژه نامه مکمل نیز آماده کرده ام (دو نوع فارسی و دو نوع لکی). انواعی که برگزیده شده اند بر مبنای مرکزیت فرهنگی و زبانی موجود در متون و اظهار شده توسط گویشوران در مصاحبه زبان شناختی بوده است. مواردی که در جدول با ستاره مشخص شده اند دارای درجه اعتبار پایینی هستند زیرا تعداد واژگانی برای سنجش زبان شناختی نداشته ام. واژه نامه ها در بخش ضمیمه دو آمده اند.

در جدول شماره دو، برخی از الگوها بدیهی هستند، برجسته ترین الگو وضعیت یک پیوستار است که از فارسی آغاز می شود و از طریق لری به لکی می رسد. انواع زبانی به طور جغرافیایی از جنوب شرقی تا شمال غربی ارنج شده اند. این پیوستار بدیهی است، به عنوان مثال شباهت واژگانی بین لری ممسنی و دیگر انواع لری اینگونه است که هرچه فاصله جغرافیایی بیشتر می شود شباهت واژگانی نیز کمتر میگردد.

تعدادی از سرمشقهها نیز انصافا اعتبار چنین پیوستاری را زیر سوال می برد. در ضمیمه دو یک تسلسل منطقی جالب (و نه کامل) در وجود دارد؛ مورد سرمشق انگشت

angušt	فارسی
tiyluw	لری جنوبی؛ ممسنی
liyžč	لری جنوبی؛ کهگیلویه
kiliyč	لری جنوبی؛ بویراحمدی
kiliyž	بختیاری هفت لنگ
angulyi	بختیاری چهارلنگ
kiliyik	لرستانی مخلوط
kilik	لرستانی، خرم آبادی و لکی

و 212 "run"، 148 "bone" موارد دیگری هم هستند که تسلسلشان در وهله اول چشم نواز است، مانند سرمشقی شماره 24 "near"

در صد بالای تشابه گونه ها مختلف با فارسی یک الگوی دیگر مطرح می کند:

وام گیری گسترده از زبان فارسی

یک الگوی دیگر تقسیم لری به سه زبان است: لرستانی، بختیاری و لری جنوبی. این گروههای زبانی به خطوط سیاه در جدول مشخص شده اند؛ نزدیکی تقریبی 80 درصد سرآغاز تقسیم زبانی است. برای پژوهشگرانی که با تحلیل واژه نامه آشنا نیستند، دقت و صراحت مرزهای زبانی قابل توجه است، غیر از لری لرستانی که تنوع درونی در آن بالاست.

نزدیکی جغرافیایی گونه های همسایه (مانند لرستانی با لکی یا فارسی بوشهری و لری جنوبی) با بیشترین شباهت واژگان نشان داده شده است چه بتوانیم آنها را جز یک زبان قرار دهیم و چه نه. این طبقه بندی پررنگ زبانی نسبت به مرزهای قومی نیز مطابق است.

یک لیست از زبانهای لری و گویشهای وابسته شان مبتنی بر این مقاله و آمارهای بالا در ضمیمه دو به دست داده شده است.

نتیجه: لری به عنوان یک پیوستار از سه زبان

بر اساس متون موجود و همین طور اطلاعاتی که در بخشهای قبلی ارائه شد، به نظر من بهترین طبقه بندی برای لری اینست که یک پیوستار باشد بین گونه های کردی و فارسی، و خودش از سه زبان جدا متشکل باشد: لرستانی، بختیاری و لری جنوبی (مطابق نقشه زیر).



Fig. 3. Division of the Luri ethnic area of Iran into language areas.

1- مترجم: در باره جمعیت لرزبان اطلاعات دقیقی در دسترس نیست، علاوه بر آنکه سرشماری قابل استنادی در این زمینه صورت نگرفته است، هنوز زبان لری و مناطق لرنشین به درستی تعریف نشده اند، نویسنده مقاله (آقای آنونبی) نیز در ادامه به همین مساله اشاره کرده است، عجلالتا در باره رقم چهار میلیون این توضیح لازم است عنوان شود که به تصریح خود آنونبی فقط آمار لرزبانان است و نه همه ی «اقوام لر» چرا که به عنوان مثال آنونبی از لرهای فارس زبان سخن به میان آورده است که قومیتشان لر اما زبانشان فارسی است، همچنین گروه زبانی لک از نظر تاریخی، فرهنگی و قومی بخشی از مردم لر هستند اما زبانشان با دیگر لران متفاوت است، در همین مقاله و نیز مقاله دیگری (عنوان: هویت مورد مناقشه لک زبانان لرستان؛ به زودی ترجمه فارسی این مقاله نیز

در نشریه لور انتشار خواهد یافت) تاکید کرده است اگر چه هویت قومی لک زبانان بخشی از لرستان است لکی خود زبانی مستقل و جدای از شاخه زبانی لر و کرد می باشد.

[2] - Grimes

[3] - Winfuhr

[4] -Romance

<http://www.denaboy.persianblog.ir>

وبلاگ کرانه گمنام

<http://www.et4ir.blogfa.com>

وبلاگ آموزش های کاربردی

<http://denaboy.parsaspace.com>

وبسایت فرزند دنا

=====

مدیر سایت و وبلاگ ها : فرید نیک اقبالی